

واکنش نسبت به بیانات

اعلیحضرت در مصاحبه

آسوشیتد پرس

قدرت صاعقه

(3)

امیر فیض- حقوقدان

در دو تحریر وابسته به موضوع واکنش نسبت به بیانات اعلیحضرت در مصاحبه آسوشیتد پرس از کم و کیف واکنش شورای تجزیه طلبان و مجاهدین خلق گفتگو شد.

یاد آوری همراه باتاسف

نخست این یاد آوری بجاست که نقد بیانیه منتسب به اعلیحضرت که متضمن مراتب واکنش به بیانات در مصاحبه آسوشیتد پرس است؛ بطور کامل نتوانست مورد استفاده، تحریرات قرار گیرد زیرا متاسفانه بصورت متن نبود و یا اگر هم بود، در دسترس قرار نداشت و از طرفی بمناسبت هائی فاقد قدرت، در شنیدن کامل و دقیق آن برنامه هستم.

لذا فکر کردم بجاست که قدری به قدرتی که توانسته است ظرف کمتر از ۴ روز این ویرانی شدید و دگرگونی عظیم فلسفی را در بیانات اعلیحضرت بوجود آورد اندیشیده شود و در حقیقت با توضیحیانی قدرت اجرایی طرح هنری پرشت بنمایش درآید.

قدرت صاعقه

❁ اعلیحضرت در کمال آزادی اراده و تسلط بر موضوعات که از اعلام قصد در تکوین و تخصیص عبارات است به پرسش های مصاحبه کننده پاسخ داده اند، و اگر حالت غیر عادی در پاسخگویی وجود داشت محال است که مورد توجه مصاحبه کننده که بصیرت کامل در مواجهه با شخصیت های سیاسی دارد قرار نگیرد.

❁ بخشی از بیانات اعلیحضرت در مصاحبه آسوشیتد پرس بر مبنای فرهنگ و تاریخ و سنت ایرانی استوار بود و نمیتوانست امر نظری باشد از جمله آنجا که سلطنت را میراثی میدانند شکوهمند، که این خود **بنوعی**

میتواند غلطیدن در جهتی باشد که طرح هنری پرشت روی آن حساسیت ممنوعیت دارد.

❁❁ بیانات بیانیه درمورد استراتژی اعتصابات عمومی و تغییر اساسی و اینکه جمهوری اسلامی ذاتاً غیرقابل اصلاح است از گرایش‌های صحبت میکند که توجه عامه را به رهبری اعلیحضرت و بازگشت به دوران میراث‌های شکوهمند تداعی کند.

❁❁ این ملاحظات که با رمل و اصطراب و یا خوش بینی در مقابل ما قرار می‌گیرد، آنقدر در حد افرادی نیست که در کنار اعلیحضرت قرار دارند، که به آن سرعت بیانیه ای را بنویسند و به اعلیحضرت بقبولانند تا قرائت بفرمایند. آنها سایه اند؛ سایه انداز کس دیگری است. آنها عمله و ابزارهای جنایت هستند عامل سیاست وزارت خارجه آمریکا است.

❁❁ روحیه و اخلاق اعلیحضرت برای همه ما ناشناخته نیست، اصرار ایشان در ایستادگی در بیانات و عقایدشان نمونه است و با آنکه فرموده اند مرا قانع کنید؛ کمتر موردی در دست است که ایشان در موردی قانع شده باشند؛ بنابراین باید مطمئن بود که قدرت فوق العاده ای در جریان بیانیه و قرائت آن وجود داشته که به این سرعت وارد عمل شده و ایستادگی اعلیحضرت را به زیر کشیده است.

❁❁ رضا پیرزاده و یا وردست او کوچکترند که به این سرعت بیانیه ای به کلام اعلیحضرت برسانند که قلع و قمع مصاحبه را متضمن باشد.

❁❁ هر کس هر قدر که کم توجه و حتی سربه هوا باشد از درک این واضح محروم نیست که ۴ روز قبل چه گفته و اکنون از او چه میخواهند که بگوید؛ و حاضر نیست که این بی آبرویی را تحمل کند. ممکن است یک وقت فاصله زمانی امکان تحولات سیاسی را موجب تغییر کلام و یا ناسخ و منسوخ بسازد آنهم نه ظرف ۴ روز.

❁❁ دفتر اعلیحضرت که از به روز کردن سایت رسمی ایشان هم عاجز است غیر ممکن است که قادر باشد ظرف کمتر از ۴ روز به چنین واکنشی در شرائط آزادی عمل اقدام کند. یک قدرت مافوق و فشار صاعقه ای سبب این بیانیه شده است. تازه اگر آن ویدئو ساختگی نبوده باشد.

❁❁ در بیانیه اعلیحضرت در یکجا در کلامشان از عباراتی استفاده شده که نشان میدهد تاکنون هیچگونه روش و یا تصمیمی برای نجات ایران نداشته و ندارند و باید با دیالگ و خرد جمعی بامردم بهترین راه را انتخاب کنند؛ یعنی ۴۰ سال هیچ و سر از نو؛ بازی از نو... آیا دشوار است که این اعتراف را در قالب کار سیاسی و با توجه به مسئولیت و حساسیتی که نسبت به لحظات مبارزه وجود دارد درک کرد؟

❁❁ وقتی قطب امید، بما این چنین میگوید، امید را در کدام گوشه و کنار مبارزه میتوانیم پیدا کنیم؟

❁❁ طرح هنری پرشت مبنی بر اینکه که <فعالیت های سیاسی ولیعهد را تحمل نخواهد کرد> یعنی همین که، همانطور که ۳۸ سال تحمل نکرده اکنون هم این بیانیه، تداوم همان ۳۸ سال را اعلام میدارد.

*** مبارزه سیاسی نیاز به رویش مدام دارد، رویش نیاز به نیرو و حفظ اعتقاد و امید دارد و همه اینها اتصال ماهوی و معنوی با باورهای فرهنگی و سنتی به رهبری دارد، وقتی رهبر سنتی و قانونی در مقام و موقعیتی است که اسیر در محدوده ای حساب شده است (**طرح هنری پرشت**) نه تنها رویش مبارزه متوقف میشود که کم، کم میخشد که خشکیده است. **آنجا که اعلیحضرت میفرمایند: <همه از مبارزه کنار کشیده اند>** تشریح همین وضع است.

*** ممکن است بظاهر بیانیه تحمیلی چیز جدیدی تلقی نشود چرا که این سرگردانی و تبعیت از طرح، ۳۸ سال است دوام دارد. ولی خیر، مصاحبه آسوشیتدپرس نشان داد که یک تحول فکری و یک حرکت ملموسی برای عبور از طرح هنری پرشت برای اعلیحضرت ایجاد شده است که از برنامه ریزی بی سابقه برای اعتصابات عمومی و تغییر اساسی جمهوری اسلامی بیانات داشته اند و بیانیه مثل رعد و برق آنرا سوزاند و متوقف کرد.^۱

*** تغییر دولت آمریکا ممکن است یکی از جریاناتی باشد که اعلیحضرت را خشنود و امیدوار ساخته تا بتوانند از حریم تحمیل تحریمات سیاسی، خودشان را خارج کنند که به انجام مصاحبه آسوشیتدپرس و بیان آن مراتب علاقمند شده اند که متأسفانه با واکنش بیانیه مواجه شدند.

*** **درست است که اعلیحضرت در مصاحبه با آسوشیتدپرس فرموده اند که من دغدغه پادشاهی ندارم ولی معلوم است که سرمایه و تربیت ایشان و خواست ملت تداوم سلطنت است.**

نباید فراموش شود که هروقت اعلیحضرت نامی از سلطنت برده اند از جمله مصاحبه با فوکوس آنلین با واکنش بسیار تندی روبرو شده اند. جالب اینجاست که در مصاحبه با آسوشیتدپرس بدون اینکه مصاحبه وارد مسئله رژیم آینده ایران بشود؛ اعلیحضرت، پیشاپیش سلطنت را دغدغه خود ندانسته اند؛ مفهوم این پیش تازی این است که اعلیحضرت کاملاً مرز احتیاط را رعایت کرده اند.

حاشیه= بیان اعلیحضرت به اینکه ایشان دغدغه پادشاهی ندارند بی سابقه نیست؛ یکبار دیگر هم این عبارت مورد استفاده ایشان قرار گرفته است که مشروحا بنقد تحریرات آمده و در آن گفته شده، دغدغه متوجه موردی است که کسی نگران امری باشد که به آن میرسد یا خیر.

سلطنت برای اعلیحضرت دغدغه نیست زیرا قانون اساسی آنرا حق اعلیحضرت میداند و اعلیحضرت هم با سوگند نهم آبان آنرا متصدی شده اند و آنجا که میفرمایند: <سلطنت دغدغه من نیست> مفهوم بیانشان همین حفظ تداوم سلطنت است. (پایان حاشیه)

۱- تظاهراتی که برای هفتم ماه می ۲۰۱۷ تدارک شده با بررسی هایی که شده است بی رویه آغاز شده است، و هر برگزار کننده ای راهی جدا از دیگری می رود و هر کدام به تنهایی در جهت خلاف روند گفته های آشکار گفتگوی اعلیحضرت با آسوشیتد پرس است. اگر آن تظاهرات تنها به مسئله رفع اثر «طرح هنری پرشت» تکیه کند در جهت خواسته های اعلیحضرت و تداوم سلطنت و قانون اساسی خواهد بود وگرنه شکافی بین شکاف های دیگر افتاده است. ح-ک

❁ باهمه پیش تازی و احتیاط اعلیحضرت؛ اهل فن از جمله مامورین حمایت از طرح هنری پرشت کاملاً متوجه هستند که این اشارات مقدمه فرار چیزی است که طرح هنری پرشت، ۳۸ سال است که بر اجرا و حفظ آن اصرار دارد. آنها کاملاً مسلط اند به موضوع که اگر فوراً جلوی این گرایش قلبی و تاریخی اعلیحضرت را سد نکنند، پیامد های آن قابل کنترل نخواهد بود.

دستآورد

۱- دستآورد این تحقیق، راهنماست که آنچه سبب صدور بیانیه منتسب به اعلیحضرت شده است قدرت صاعقه مانند طرح هنری پرشت است نه عملجات آن طرح که در دفتر اعلیحضرت لانه کرده اند، آنها مانند عروسک های پارچه ای سرچوب هستند که دیده میشوند ولی نگهبانان واقعی مزرعه دیده نمیشوند.

۲- **ایرانیان بجز زیرچتر سلطنت که آشنای مردم ایران و پیوند روحی با باورها و فرهنگ مردم**

دارد موفق به نجات حقیقی کشورشان نخواهند شد، این یک حقیقت تاریخی است که مستشرقین اروپائی و ایرانی هم بر آن مهرتائید زده اند و این همان چیزی است که دربیانات سال های اتیان سوگند سلطنت هم بکرات به بیانات اعلیحضرت و جاهت های ملی داده است.

تعارف ندارد که ماع به جریان افتادن این مسیر طبیعی تنها و تنها تحریم های سیاسی تحمیلی به اعلیحضرت است.

۳- اینکه از اعلیحضرت آنطور که باید تحرک مبارزاتی و احساسات لازم برای تجسم هدف مبارزه مانند سالهای نخست مبارزه دیده نمیشود علت، جریان همین محرومیت و تحریم سیاسی است که نسبت به هرکس جریان میافت و یا آید از بابت روحیه خاکستر میشود. ۳۸ سال انسان برخلاف حق و امتیاز و موقعیتی که قانون اساسی کشورش به او داده، برخلاف سوگندی که یاد کرده در بند تحریم سیاسی وزارت خارجه یک کشور خارجی باشد چیزی نیست که برای یک انسان آزاده قابل تحمل باشد، انسان را آب میکند.

آنها که ایراد کم کاری و یا کم علافتگی اعلیحضرت را نسبت به مبارزه و وظائف قانونی ایشان بهانه میکنند، منصفانه فکر کنند اگر فقط یکبار از جاتب دستگاه اطلاعات کشور محل اقامتشان به آنها گوشزد شود که علیه سیاست کشور محل اقامتشان فعالیت سیاسی نکنند؛ آنها کم کار و بی علاقه به مبارزه نخواهند شد؛ حتما خواهند شد... حتی دور مبارزه را هم خط میکشند. کسانی هستند که خاطر جواز ورود و خروج به ایران و یا دریافت حقوق بازنشستگی هر جا مبارزه و یا اثری از آن هست غایبند. طرح هنری پرشت، همین اخطار وزارت خارجه آمریکا به ولیعهد وقت است؛ آنها با ضمانت اجرا که شوخی بردار نیست.

اگر کسی سی و چند سال حق راه رفتن و دویدن نداشته باشد آیا میتوان از او انتظار راه رفتن تا چه رسد به دو سرعت داشت؟ برای یک شخصیت سیاسی میهن پرست و قرار گرفته در مقابل قانون و انتظارات مردم و یاد کرده سوگند همین تحمیل تحریم فعالیت سیاسی به اعلیحضرت همان اثر را دارد که بر آن زندانی دست و پا در زنجیر را دارد.

۴- ممکن است این گفتن پیش آید که (طرح هنری پرشت مربوط به تحریم فعالیت های سیاسی اعلیحضرت در شاهراه تداوم سلطنت است نه در راه آزادی ایران؛ و می بینیم که ایشان در راه آزادی ایران هم کاری نمیکنند)

پاسخ این است که ظرفیت و ساختار فکری و تربیت سیاسی ایشان، ساخت و تبلور یافته در مسیر تداوم سلطنت و قانون اساسی است و در جهات دیگر هیچ کار بردی ندارند همانند آن است که کسی بخواهد با یک تراکتور در مسابقه اتومبیل رانی شرکت کند.

هر کسی را بهر کاری ساختند میل آن کار را در دلش انداختند

بیان کننده همین موقعیت اعلیحضرت است.



۵- ما ایرانیان هیچ کمکی به رفع حصر فعالیت سیاسی اعلیحضرت نکرده ایم همه رسانه ها مدیران جراید از اجرای طرح و تحریم تحمیلی به اعلیحضرت آگاهند ولی صدایشان در نمیاید ولی دیدید و دیدیم که مجاهدین خلق برای زدودن اتهام تروریستی به سازمان خودشان چه فعالیتی کردند و به نتیجه هم خیلی زود رسیدند. در حالیکه محکوم کردن فعالیت های تروریستی هم از قواعد حقوق بین الملل جواز دارد و هم آمریکا این محرومیت را نسبت به همه تروریستها اعمال میکند. آیا تحریم تحمیلی وزارت خارجه آمریکا به ولیعهد ایران هم منطبق با کنوانسیون های حقوق بین الملل است؟؟ ابداء، ابداء، و قویا و شدیداً خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و عهدنامه استکهلم است.

۶- اگر امکان و زمینه ای فراهم شده که موضوع با شخصیت و یارسانه ای مطرح شود خیلی به سادگی از آن عبور شده، و گاه طرف چنان واهمه دارد از شنیدن موضوع که گویی پرونده جنایت خود شنونده مطرح است. خود بنده شاهد و با شخصیتی که در باب طرح هنری پرشت صحبت کردم هنوز صحبت تمام نشده بود گفت: <ول کن حوصله داری>.

۷- بیگیری و بی حالی ما در این است که در هیچ عصری از تاریخ سیاست، یک شخصیت سیاسی مورد احترام حتی قلیلی از افراد ملت از فعالیت سیاسی بوسیله وزارت خارجه کشور دیگری محروم نشده که این کار کثیف و ضد حقوق بشر و قوانین آمریکا علیه ولیعهد ایران به اجرا درآمده است.

توقع از اینکه اعلیحضرت شخصا برای رفع حصر سیاسی خودشان اقدام کنند بدلالی توقع درستی نیست
وشنون ملی ایرانیان چنین عملی را تجویز نمیکنند خاصه به اینکه نمیتوان از کسی که درحسرویا گروگان و یا گرفتاری خاصی است انتظار اقدام ورهانی ازجانب او را داشت قاعده وزین این است که دوستان و آشنایان هستند که به رفع حصر آن شخص کمک کنند. آیا تاکنون هیچ گامی ویا اقدامی ازجانب ما سلطنت طلبان برای رفع حصر از اعلیحضرت شده است؟

نگاه کنید به جریان حصر موسوی وکروبی مکرر درمکرر افراد موثر در جمهوری اسلامی درخواست رفع آنها دارند. آیا یک صدم فعالیت آنها را ما برای رفع حصر سیاسی اعلیحضرت انجام داده ایم؟

آمریکا و حصر موسوی و کروبی

دولت آمریکا چه در زمان اوباما وچه در دولت کنونی درخواست رفع حصر از موسوی وکروبی را کرده و آنها را یک اقدام غیرقانونی دانسته اند؛ چطور میشود دولت آمریکا اقدام جمهوری اسلامی را غیرقانونی بداند و خودش نسبت به ولیعهد قانونی ایران ۳۸ سال حصر سیاسی اعمال کند.

مانع عمومی

این تحریر متوجه این مقصد هست که ایرانیان مقیم آمریکا تابعیت کشور آمریکا را دارند و نمیتوانند خلاف سیاست آمریکا اقدام کنند؛ و نگران هستند که دخالت در مسئله حصر سیاسی اعلیحضرت نوعی مخالفت با سیاست آمریکا تلقی گردد، اگر این توهم سبب خودداری از دخالت باشد، توهم درستی نیست زیرا، اقدام متوجه عملی است که مخالف قانون آمریکا باشد و مذاکرات وبحث ودرخواست و امثال آنها اقدام علیه سیاست آمریکا تلقی نمیشود، خاصه به اینکه تحمیل تحریم سیاسی به ولیعهد ایران نه اینکه قانونی نیست که حتما عمل غیرقانونی هم هست.

کانال مورد انتظار

بمناسبت هائی که ذکرش موجه نیست، از کانال آقای دکتر حمزه پور که به ایرانیان اینطور معرفی شده اند که با دولت جدید آمریکا سروکاری دارند تقاضای توجه به موضوع حصر اعلیحضرت حتی نه در رابطه با شخص اعلیحضرت بلکه در رابطه با موازین حقوقی کشور آمریکا و جهان که چنین اقدامی خلاف روش سیاسی کشور آمریکاست و نمیتوان یک شخصی را ۳۸ سال در محرومیت از فعالیت سیاسی قرارداد مطرح کنند (نمونه مخالفت آمریکا با حصر کروبی و موسوی) وگروهی از ایرانیان خارج از کشور هم از درخواست ایشان پشتیبانی و حمایت نمایند.

تظاهرات

گفته میشود قرار است تظاهراتی از سوی ایرانیان در آمریکا صورت گیرد هرانگیزه وخواستہ ای که سبب تظاهرات است بجای خود، چه بهتر که درگوشه این تظاهرات پلاکاردهائی در درخواست ابطال حصر سیاسی ولیعهد ایران افراشته شود وسیعی گردد خبرنگاری که وضع تظاهرات را زیر نظر دارد درباره پلاکارد مزبور سوال بکند و جوابی که به او داده میشود و اظهار نظری که او در گزارشش خواهد کرد

بهترین موقعیت و فتح بابی است که بتوان قضیه را پیگیری کرد؛ و شاید هم بعلت تغییرات در دولت و سیاست آمریکا همین روزنه کوچک بتواند دریچه ای از امید را بعد از ۳۸ سال گشاده سازد.

اجرای این طرح نه تنها مانع کوششهای دکتر حمزه پور نمیشود بلکه سبب پشتیبانی و اقتدار موقعیت ایشان هم خواهد شد.

باید کاری کرد، نجات ایران بدون قطع این تحریم تحمیلی به اعلیحضرت ممکن نیست، و اگر ما نتوانیم که شخص مورد علاقه و مستقر در موقعیت مشروعیت ملی و قانون را از تحمیل غیرقانونی و مضاعف ضد بشری نجات دهیم بالطبع لایق نجات کشورمان هم نخواهیم بود این حرف این تحریر نیست سخن تاریخ است که بهرگوشه ای از تاریخ ایران نگاه کنید نقش آن بر دیده و دل احساس کردنی است.